

فیض حضور

www.ketab.ir



سرشناسه:	کفای قایمی، عباس، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	فیض حضور / به کوشش: عباس کفای قایمی، ویراستار: شهرام نورصالحی.
شخصیات نشر:	تهران: انتشارات تقدیر، ۱۳۹۴.
شخصیات فاعلی:	۳۲۸ ص.، مصور (رنگی)، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۵۵-۴۲-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فایا
نوع:	ابراهیمی مجید، مصطفی، ۱۳۳۰ - ۱۳۶۰.
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشتنامه.
زاد:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات
رده بندی کنگره:	DSR۱۶۲۴ / ۱۳۹۴
رده بندی دهلی:	۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲
کتابشناسی ملی:	۴۱۷۰۵۲۲

نام کتاب: فیض حضور

نویسنده: عباس کفای قایمی

ویراستار: شهرام نورصالحی

طرح جلد: محمد بیابان مقدم

صفحه آرا: مهدی

ناشر: تقدیر / با همکاری مجمع پیشکوتان و رهروان

شهادت تخریب جی کشور

شمارگان: ۲۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

آدرس ناشر: تهران - ۲۰ متری ابوذر - خیابان شهید

بدخشان کمالی - پلاک ۱۰۰ - مجتمع فرهنگی شهدای ابوذر

تلفن: ۶۶۴۰۰۵۱۰ - ۶۶۴۰۰۵۲۷ - ۹۱۲۴۷۷۶۳۷۲

Email: ent.taghdir@gmail.com

مراکز پخش: تهران ۹۱۲۳۲۲۳۴۳۹

آفتاب پنهان ۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

قدیم الاحسان ۲۱۳۳۴۴۲۲۵۴

مهنستان ۹۱۲۵۷۰۰۲۹۳

فهرست

۷	 مقدمه
۱۵	 خاطرات آقای دکتر جدی
۲۵	 خاطرات آقای دهقان
۴۱	 خاطرات آقای کاویانی
۵۳	 خاطرات آقای فرتاش
۶۹	 خاطرات آقای عقیلی
۸۵	 خاطرات آقای جم
۸۱	 خاطرات آقای حسن پور
۹۰	 خاطرات آقای باوی
۱۱۳	 خاطرات آقای رئیسی نژاد
۱۳۳	 خاطرات آقای علیپور

۱۴۱	 خاطرات آقای حسن نژاد
۱۴۹	 خاطرات آقای شاه حسینی
۱۵۳	 خاطرات آقای کازرونی
۱۵۹	 خاطرات آقای دکتر موسوی
۱۷۵	 خاطرات آقای دکتر مؤمنی راد
۱۸۵	 خاطرات آقای مرآتی
۱۹۳	 خاطرات آقای قربانی
۲۰۳	 خاطرات آقای حمیدی
۲۱۹	 دستنوشته شهید
۲۲۳	 خاطرات آقای گنج‌دور
۲۲۷	 خاطرات برادر و تن چمن از دوستان
۲۴۵	 خاطرات خواهر شهید
۲۴۹	 خاطرات دوست دوران سربازی
۲۵۱	 خاطرات یکی از دوستان شهید (م - ض)
۲۵۷	 خاطرات خانم (م - ض)
۲۶۵	 پدر موشکی ایران
۲۷۳	 امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام
۲۷۷	 وصیت نامه
۲۸۳	 خوره نفاق (پیوست ۱)
۲۸۷	 شکارچی تانک (پیوست ۲)
۲۹۷	 تصاویر و اسناد

مقدمه مولف

سال‌ها قبل در حسینیه ارشاد در مراسمی که توسط سازمان بسیج مهندسین تهران تشکیل شده بود حاجاب مهندس چمران در سخنرانی‌شان از یک مهندس شهیدی نام بردند که در جبهه و همراه با شهید دکتر چمران کارهای مهندسی و عملیات تخریب و ساخت موشک انجام می‌داد و بعد از شهادتش و از روی وصیت‌نامه‌اش معلوم شد که نامبرده به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام شرفیاب شده است. این ویژگی‌های شهید برای من خیلی جالب بود و تصمیم گرفتم که راجع به زندگی و خصوصیاتش تحقیق نمایم. اما در آن موقع هیچ اطلاعی از وجود شهید نداشتم حتی نمی‌دانستم قبرش کجاست. مدتها گذشت و من نمی‌دانستم از چه طریقی باید او را بشناسم تا بالاخره یک روز جهت

زیارت اهل قبور به بهشت زهرا علیها السلام رفته بودم، از جمله به زیارت شهدای هفتاد و دو تن رفتم که بطور اتفاقی چشمم به تابلویی در ورودی ساختمان یادبود آنجا افتاد که مشخصات قبور شهدای شاخص و نامدار ذکر شده بود و از یک شهیدی با عبارت مهندس شهیدی که در زمان حیاتش خدمت امام زمان علیه السلام رسیده است نام برده شده بود. بنده تا این عبارت را خواندم متوجه شدم که این همان شهیدی است که به دنبال آن هستم و بالاخره با توجه به مشخصات اعلام شده، قبر شهید را پیدا کردم و وصیت نامه اش را که در ویتترین بالای سر قبر شهید قرار داشت مطالعه کردم و یقین کردم که این همان شهید مورد نظر بنده است. خب! حالا باید چگونه با خانواده و دوستان او تماس بگیریم؟ باز هم به سر بسته به سرشورد کردم. مدت ها گذشت (در حد چندین ماه) که در این مورد فکر می کردم که چگونه باید سرنخی از آشنایان شهید بدست آورم. بالاخره یک روز به فکرم رسید که به دفتر خانه ی شهید بهشت زهرا علیها السلام سری کنم شاید آن ها اطلاعاتی در مورد این شهید داشته باشند. به آنجا رفتم و موضوع را با مسئول مربوط مطرح کردم، نامبرده ضمن برخورد گرم با اینجانب گفت ما تنها یک شماره از مسئول حسینی های که به نام شهید و در محل زندگی این شهید (خیابان هفده شهریور) تشکیل شده است را داریم و می توانیم آن را در اختیار شما قرار بدهیم. بنده آن شماره را گرفته و با مسئول هیأت مذکور تماس گرفتم که به بنده گفتند خانواده شهید از این محل رفته اند و تنها عموی این شهید در این محل سکونت دارند. آدرس عموی شهید

را گرفته و در یک فرصتی به منزل عموی ایشان رفتم و ضمن معرفی و بیان هدفم خواستار شماره تلفن خانواده شهید شدم که ایشان گفتند من باید از خانواده شهید اجازه بگیرم. خلاصه بعد از مدتی که مراجعه کردم شماره تلفن برادر بزرگ شهید را به بنده دادند. با برادر ایشان تماس گرفتم و خواستار همکاری ایشان شدم، ایشان هم قول همکاری دادند. آدرس دفتر کارشان را بدست آوردم شاید حدود دو ماهی گذشت. یک روز به طور اتفاقی به دفتر ایشان مراجعه کردم که نامبرده حضور داشتند. گفتند از آن روزی که ما بصورت تلفنی با هم صحبت کردیم تا امروز به دزرم نیامده بودم و امروز بصورت اتفاقی به دفتر آمدم؛ چطور شما هم امروز آمدید؟ بنده هم اظهار بی اطلاعی کردم و ایشان از این برخورد اتفاقی بیخبر شدند. بعد انگیزه بنده را از این کار جویا شدند و پرسیدند که شما از طرف بنیاد شهید هستید؟ که بنده عرض کردم خیر. بخاطر علاقه شخص به ما خواهم در مورد این شهید تحقیق کنم. بعد ایشان چند مطلب منحصراً از رادر شهیدشان مطرح کردند از جمله گفتند بعد از شهادت برادر من خواستند ایشان را در جوار حرم علی بن مهزیار در اهواز دفن کنند و می گفتند که او هر شب (احتمالاً اکثر اوقات) به زیارت علی بن مهزیار می آمده که ما گفتیم او را به تهران منتقل کنید تا حداقل پدر و مادر و خانواده اش بتوانند به راحتی به زیارت قبر شهیدشان بروند. یا در تشییع جنازه ایشان در حیاط منزل مان در میان جمعیت تعداد قابل توجهی از ساوکی ها که به دست شهید توبه کرده بودند حضور داشتند زیرا وی برای آن ها

کلاس می گذاشت و به آن ها مسایل دینی را آموزش می داد (علت جذب ساواکی ها به شهید مجد در خاطرات آقای کاویانی خواهد آمد) و یا اینکه دکتر چمران به کسی گفته بود شب ها در فلان خانه که در اهواز است (خانه گروه تخریب) نخوابد. در آنجا پانصد کیلو گرم مواد منفجره است اگر عراق آنجا را بمباران کند خیلی خطرناک است که به او هم گفته شده بود اما مصطفی هر شب آنجا می خوابد. بالاخره بنا شد که ایشان در مورد بنده تحقیق نمایند و بعد مصاحبه را انجام دهند. در آنجا گذر زمان و گرفتاری های روزگار مدت زمان زیادی بین ما فاصله انداخت و بعد از مدتی مطلع شدم که ایشان بعد از تحمل یک دوره بیماری در بیمارستان در گذشتند که مایه تأسف شد و بنده نتوانستم آن خاطرات ایشان در مورد برادر شهیدشان استفاده کنم. در پی آشنایی که با مسئول خانه شهید بهشت زهرا پیدا کردم در مراجعات بعدی ایشان شماره تلفن یکی از جانبازان جنگ تحمیلی را به بنده دادند که با شهید مجد در حرم آشنا بوده و توسط ایشان با جلسات ستاد جنگ های نامنظم شهید چمران آشنا شدم و در نتیجه با شرکت در آن جلسات با تعدادی از همزمان شهید چمران برخورد و با آن ها مصاحبه کردم و از طریق آن ها با دوستان اهوازی شهید نیز آشنا شدم و با آن ها نیز مصاحبه کردم. البته اینکه این مسایل را با ریزه کاری ها و با جزئیات که تا اندازه ای هم طولانی شد ذکر کردم، برای این است که بگویم در اینگونه امور خداوند چگونه انسان ها را راهنمایی می نماید و درهای بسته را یکی پس از دیگری به روی انسان می گشاید. اما قبل

از مطالعه کتاب ذکر نکاتی ضروری است که ذیلاً به عرض خوانندگان محترم می‌رسانم:

۱ - اساس کار در این نوشتار بر اصل خاطره‌نویسی است یعنی سعی شده است ادبیات بسیجی در این نوشتار حفظ شود و بیانات مصاحبه شوندگان به همان صورت طبیعی به رشته تحریر درآید و فقط در حد ضرورت و سلیس شدن عبارت‌ها و رفع بعضی ابهامات ویراستاری صورت گیرد و از احساسی کردن و جذابیت متون با بکار بردن جملات اضافی خودداری شده است.

۲ - این کتاب قبل از آن که معرف شهید مهندس ابراهیمی مجد باشد، معرف ویژگی‌های گروه تخریب ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران که زیر نظر شهید مجد فعالیت داشته می‌باشد؛ زیرا افراد نحوه فعالیت‌های خود را در گروه تخریب توضیح می‌دهند که به دستور شهید مجد انجام می‌شده است. لذا اطلاعات مفیدی راجع به نحوه فعالیت این گروه به خوانندگان ارائه می‌شود.

۳ - گاهی افراد مختلفی در مورد یک موضوع خاصی اظهار نظر کرده‌اند که ممکن است بین صحبت‌های جداگانه این افراد در مورد آن موضوع واحد اختلافات جزئی مشاهده شود که تا حدودی طبیعی است زیرا افراد یک موضوع را از دید خود و با برداشت خود نقل می‌کنند و یا اینکه خود مستقیماً در جریان آن کار نبوده بلکه از دیگران شنیده‌اند و هم چنین گذر زمان و فراموشی می‌تواند این تقیصه را عادی جلوه دهد.

۴- چون افراد هر کدام جداگانه خاطرات خود را بیان کرده‌اند ممکن است بعضی مطالب در خاطرات تعدادی از افراد تکرار شده باشد، ما نمی‌توانستیم مطالب تکراری را حذف کنیم زیرا متن مصاحبه پیوستگی و انسجام خود را از دست می‌داد ولی چون افراد از جنبه‌های مختلف یک موضوع را شرح داده‌اند لذا در کل اطلاعات جامعی راجع به آن موضوع بدست می‌آید لذا امید است که تکرار بعضی مطالب باعث مانع خاطر خوانندگان محترم نشود.

۵- برای اینکه هر چه بیشتر با ویژگی‌های شهید آشنا شویم با تمام کسانی که به جوی با شهید برخورد داشته‌اند و ما با آن‌ها آشنا شدیم مصاحبه کردیم. حتی اگر یک نصف روز فقط شهید را دیده‌اند و خاطرات کمی ارائه داشته‌اند.

۶- در رژیم فاسد گذشته که با اختناق و استبداد زیادی همراه بود گروه‌های مختلفی اعم از گروه‌های مذهبی و غیر مذهبی هر کدام با اهداف خاصی فعالیت می‌کردند. از جمله آن‌ها انجمن حجّتیّه بود که توسط مرحوم شیخ محمود حلبی جهت مبارزه با فرقه ضالّه بهائیت تشکیل شده بود و دارای جلسات آموزشی منظم و مرتبی بود که جوانان را جهت مبارزه با آن فرقه تربیت می‌کرد و به علاقه و عشق به حضرت مهدی علیه السلام و معارف مربوط اهتمام خاصی داشت. بنده در رژیم گذشته جزء اعضای این گروه نبودم ولی دوستانی داشتم که عضو این گروه بودند و از همان زمان هم موضوع عدم دخالت در سیاست که یکی از مواد اساسنامه آن انجمن بود بصورت یک نقد جدی در جامعه

مطرح بود. بعد از انقلاب بخاطر بروز بعضی مسایل و جهت گیری های خاص مسئولین انجمن، نگاه مردم انقلابی نسبت به این گروه کمی تیره شد. شاید خوانندگان نسبت به این موضوع که چرا شهید مورد نظر ما در رژیم گذشته عضو این انجمن بوده این سؤال در ذهنشان مطرح شود که باید عرض کنم در رژیم گذشته جوانان مسلمان و علاقه مند که خواهان فعالیت های منسجم و هدف دار مذهبی بودند خواهان فعالیت در گروه های یی بودند که دارای برنامه و هدف و آموزش های منظم باشند و چون انجمن حاجتیه از گذشته دور دارای چنان ویژگی هایی بود لذا تعداد زیادی از جوانان غیور و مبارز جذب این گروه شدند ولی بعد از انقلاب اکثر این افراد هم اه با انقلاب وارد فعالیت های سیاسی و از جمله جنگ تحمیلی شدند سلاً تعداد زیادی از فرماندهان شهید سپاه که امروز به بزرگی از آنها یاد می شود مثل شهید باقری، شهید اقارب پرست، شهید نامجو، شهید دلاهدو و ... سابقه عضویت در این انجمن را داشته اند که عملاً با حضور در فعالیت های انقلابی نشان دادند که جدایی دین از سیاست را قبول ندارند؛ اما سابقه عضویت شهید مورد نظر ما در رژیم گذشته در این انجمن نمی تواند نقه ضعفی تلقی گردد، اگر چه بعضی ها بخواهند از این موضوع برداشت های خاصی بنمایند.

۷ - از تمام کسانی که در تدوین این مجموعه همکاری نمودند صمیمانه تشکر می شود خصوصاً از جناب آقای شهرام نورصالحی از اعضای مجمع پیش کسوتان و رهروان شهدای تخریب چی کشور که

خود از افراد تخریب‌چی جبهه‌های جنگ می‌باشند تشکر می‌نمایم که در ویراستاری مقالات و راهنمایی‌های ضروری دریغ نرمودند.

۸ - در کتاب «مرگ از من فرار می‌کند» کتاب دکتر مصطفی چمران از انتشارات روایت فتح چاپ سوم سال ۱۳۸۹ در صفحه ۱۷۱ مقاله‌ای از قول شهید مصطفی ابراهیمی مجد در مورد شهید چمران آورده شده که طبق تحقیقات اینجانب این مقاله از شهید ابراهیمی مجد نمی‌باشد بلکه سرد دیگری بنام «ابراهیمی» که اهل خوزستان بوده، می‌باشد و ظاهر آن هم شمس شده است زیرا در این مقاله صحبت از فرمانداری اهواز و استانداری ایلام شده است در صورتیکه شهید مجد نه فرماندار اهواز بوده است و نه استاندار ایلام. لذا لازم است که برادران روایت فتح این اشکال را برطرف نمایند.

۹ - در انتها امیدوارم که این مجموعه مورد استقبال مردم عزیز و انقلابی‌مان قرار گیرد و جرانان ما چه بیشتر با فداکاری و ایثار شهدا و جانبازان آشنا شوند. خوانندگان عزیز جهت نقد و اظهارنظر در مورد این کتاب می‌توانند به آدرس ایمیل اینجانب مراجعه و مسایل و اطلاعات دیگری که بنده به آن‌ها دسترسی داشته‌ام را در میان بگذارند.

Ab.kafaee@gmail.com

زمستان ۱۳۹۴

مؤلف